

مبانی استنباط

حقوق اسلامی

یا

اصول فقه

تألیف:

دکتر ابوالحسن محمدی

استاد دانشگاه تهران



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۵۴۹

شماره مسلسل ۵۵۷۰

محمّدی، ابوالحسن، ۱۳۱۱ -		
مبانی استنباط حقوق اسلامی، یا، اصول فقه / تألیف ابوالحسن محمدی -		
[ویرایش ۹۵] - تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۶.		
بیست و پنج، ۳۸۱ ص - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۱۵۴۹)		
ISBN 964-03-5570-4:		
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.		
چاپ بیست و نهم.		
کتابنامه: ص. [۳۷۱] - ۳۷۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.		
۱. اصول فقه. ۲. اصول فقه. دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.		
۱۳۸۶	۲۹۷/۳۱	BP ۱۵۵ / م ۳ م ۲
۱۰۶۸۸۶۲		کتابخانه ملی ایران

شابک ۴-۵۵۷۰-۰۳-۹۶۴-ISBN 964-03-5570-4

عنوان: مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه

تألیف: دکتر ابوالحسن محمدی

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶ (چاپ بیست و نهم با تجدید نظر)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

شماره مطلب	شماره صفحه
مقدمه چاپ بیست و نهم	بیست و یک
مقدمه چاپ هجدهم	بیست و دو
پیشگفتار	بیست و سه
۱- نظم و ترتیب مطالب	بیست و سه
۲- روشی که در این تألیف بکار رفته	بیست و چهار
۳- فصل بندی	بیست و پنج
۴- فهرست دیباچه	بیست و شش
بخش نخست: بررسی تاریخی	۱
علم اصول فقه چیست، چگونه و کی بوجود آمد؟	۱
۵- اصول فقه چیست؟	۱
۶- دستوری که مبنای عمل به «رأی» گردید	۱
۷- پیدایش موضوعی دیگر برای مباحث اصولی (اجماع)	۲
۸- قیاس و فرق آن با رأی	۳
۹- قرآن و سنت موضوع بحث اصولی واقع می شوند	۴
۱۰- علل انتشار علوم اسلامی	۵
الف- مسافرت یاران پیامبر (ص)	۵
ب- تغییر مرکز خلافت اسلامی	۵
ج- انتقال خلافت به خاندان اُمیه	۶
۱۱- عصر فقهای بزرگ	۶

۷	۱۲- اولین تألیف و اولین مؤلف در علم اصول فقه
	اصولیین، تألیفات آنها در اصول فقه و مکاتب آنها
۸	۱۳- اصولیین اهل سنت و تألیفات آنها در اصول فقه
۸	۱۴- اصولیین امامیه و تألیفات آنها در علم اصول
	مکتب‌های اصولی
۹	۱۵- فرق مذهب با مکتب
۱۰	۱۶- مذهب‌های مشهور اسلام
۱۱	۱۷- مکتب‌های مختلف
۱۲	۱۸- مکتب فقیهان
۱۲	۱۹- فقیهان بزرگ (۳)
۱۳	۲۰- مکتب متکلمان
۱۳	۲۱- مؤلفان بزرگ مکتب متکلمان
۱۴	۲۲- مکتب اخباری و مکتب اصولی
۱۵	۲۳- تحوّل و تکامل علم اصول
۱۷	۲۴- علم اصول فقه و حقوق موضوعه
۱۸	۲۵- تأثیر علم اصول فقه در حقوق موضوعه به طور مطلق
۱۸	۲۶- تأثیر اصول در حقوق ایران
۱۹	۲۷- تدریس اصول در دانشکده حقوق
۲۰	۲۸- در وضع حاضر
۲۱	بخش دوم: تعریف، موضوع و فایده علم اصول فقه
۲۱	۲۹- تعریف اصول فقه
۲۲	۳۰- موضوع درس
۲۳	۳۱- فایده این درس
۲۵	۳۲- غرض و منفعت
۲۵	۳۳- تقسیم‌بندی علم اصول فقه

۲۷	گفتار اول: «وضع» الفاظ
۲۷	۳۴- مباحث مربوط به وضع الفاظ
۲۸	۳۵- معنای وضع لفظ
۲۹	۳۶- اقسام وضع لفظ
۲۹	۳۷- اقسام وضع تعینی
۲۹	۳۸- حقیقت و مجاز
۳۱	۳۹- علامت حقیقت و مجاز: تبادر - عدم صحت سلب - اطراد
۳۲	۴۰- شرایط مجاز
۳۳	۴۱- اصالة الحقیقه
۳۴	۴۲- اقسام حقیقت و مجاز
۳۴	۴۳- حقیقت عرفی و اقسام آن
۳۵	۴۳/۱- عرف شرع و عرف متشرعه
۳۶	۴۴- موضوع عرفی، موضوع شرعی
۳۶	۴۵- طرح بحث حقیقت شرعی
۳۶	۴۶- محل نزاع
۳۷	۴۷- ثمره نزاع
۳۷	۴۸- آیا حقیقت شرعی وجود دارد؟
۳۹	۴۹- خلاصه این عقیده
۳۹	۵۰- استفاده از بحث حقیقت شرعی و عرفی در حقوق موضوعه
۴۰	۵۱- اشاره ای به ماده ۲۲۴ قانون مدنی و تطبیق آن با این بحث
۴۲	اصل هائی که از این گفتار بدست می آید:
۴۲	۵۲- اصول لفظی و اصول عملی
۴۲	۵۳- ترادف و اشتراك
۴۳	۵۴- استعمال لفظ در بیش از يك معنا
۴۵	گفتار دوم - اوامر
۴۵	۵۵- مباحث مربوط به اوامر
۴۶	۵۶- امر و معنای آن

- ۵۷- معنای وجوب و احکام تکلیفیه دیگر ۴۷
- ۵۸- حکم وضعی ۴۸
- ۵۹- اقسام وجوب ۴۸
- ۶۰- کفائی و عینی ۴۹
- ۶۱- واجب تعینی و تخییری ۵۰
- ۶۲- واجب تعبدی و توصلی ۵۱
- ۶۳- قصد قربت یعنی چه؟ ۵۲
- ۶۴- عبادات و معاملات ۵۲
- ۶۵- واجب مشروط و مطلق ۵۳
- ۶۶- واجب معلق و منجز ۵۴
- ۶۷- فرق واجب مشروط و معلق ۵۴
- ۶۸- اشاره به عقائدی که در پیرامون واجب معلق وجود دارد ۵۵
- ۶۹- تشخیص واجب معلق از واجب مشروط ۵۶
- ۷۰- معلق و مشروط در قوانین موضوعه ۵۶
- گفتار سوم - نواهی ۵۹
- ۷۱- مباحث این گفتار ۵۹
- ۷۲- صورت نهی ۵۹
- ۷۳- معنای نهی ۶۰
- ۷۴- وجه اشتراك امر و نهی ۶۰
- ۷۵- وجه افتراق امر و نهی ۶۱
- ۷۶- آیا نهی موجب فساد است؟ ۶۲
- ۷۷- حکم مسأله ۶۲
- ۷۸- نتیجه بحث ۶۴
- ۷۹- بحثی درباره مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده ۶۴
- ۸۰- نمونه‌هایی که در آنها نهی موجب فساد و بطلان عمل نمی‌باشد ۶۵

- گفتار چهارم - مفهوم و منطق ۶۷
- ۸۱- تعریف منطق و مفهوم ۶۷
- ۸۲- اقسام منطق ۶۸
- ۸۳- دلالت اقتضا ۶۹
- ۸۴- دلالت تنبیه و ایما ۷۰
- ۸۵- دلالت اشاره ۷۱
- ۸۶- اقسام مفهوم ۷۳
- ۸۷- اقسام مفهوم موافق ۷۴
- ۸۸- حجیت مفهوم موافق ۷۵
- ۸۹- مفهوم مخالف ۷۵
- ۹۰- اقسام مفهوم مخالف ۷۶
- ۹۱- آیا مفهوم مخالف حجّت است؟ ۷۶
- ۹۲- آیا مفهوم شرط حجّت است؟ ۷۷
- ۹۳- آیا مفهوم غایت حجّت است؟ ۷۸
- ۹۴- غایت داخل مغبّا است یا نه؟ ۷۹
- ۹۵- آیا مفهوم حصر حجّت است؟ ۸۰
- ۹۶- آیا مفهوم وصف حجّت است؟ ۸۱
- ۹۷- مفهوم لقب ۸۲
- ۹۸- مفهوم عدد ۸۳
- گفتار پنجم - عامّ و خاصّ ۸۵
- ۹۹- مباحث عامّ و خاصّ و حجّیت اصالة العموم ۸۵
- ۱۰۰- تعریف عامّ و خاصّ و مخصّص ۸۶
- ۱۰۱- الفاظ عموم ۸۷
- ۱۰۲- در دلالت بعض کلمات بر عموم اختلاف است از جمله: ۸۸
- ۱۰۳- اقسام عام ۸۸
- ۱۰۴- معیار تشخیص اقسام عام ۹۰
- ۱۰۵- ماده ۱۶۵ قانون مدنی عام بدلی است؟ ۹۱

- ۱۰۶- مخصص متصل و اقسام آن ۹۱
- ۱۰۷- مخصص منفصل و اقسام آن ۹۲
- ۱۰۸- تعریفی دیگر برای مخصص متصل و منفصل ۹۳
- ۱۰۸/۱- تخصیص اکثر ۹۳
- بحث اجمال مخصص ۹۵
- ۱۰۹- آغاز بحث ۹۵
- ۱۰۹/۱- اندازه اجمال مخصص ۹۵
- ۱۱۰- مجمل از حیث مفهوم یا مصداق ۹۶
- ۱۱۱- مثال‌هایی برای روشن شدن مطلب ۹۷
- ۱۱۲- بحث و استدلال ۹۹
- ۱۱۲/۱- تمسک به عموم عام در شبهه مصداقی جایز نیست ۱۰۰
- عمل به عام پیش از جستجوی مخصص ۱۰۲
- ۱۱۳- مقدمه ۱۰۲
- ۱۱۴- اقوال در مسأله ۱۰۲
- ۱۱۵- کاربرد این بحث در حقوق ایران ۱۰۴
- یک مخصص بعد از چند جمله ۱۰۵
- ۱۱۶- يك مخصص بعد از چند جمله ۱۰۵
- تخصیص عام وسیله مفهوم ۱۰۵
- ۱۱۷- تخصیص عام وسیله مفهوم ۱۰۹
- الف - مفهوم موافق به طریق اولی می‌تواند عام را تخصیص دهد ۱۰۹
- ب - مفهوم مخالف می‌تواند عام را تخصیص دهد؟ ۱۱۰
- دوران امر بین تخصیص و نسخ ۱۱۲
- ۱۱۸- طرح مسأله ۱۱۲
- ۱۱۹- نسخ ۱۱۲
- ۱۲۰- اشکالی بر نسخ و پاسخ آن ۱۱۳
- ۱۲۱- مثال‌هایی برای نسخ ۱۱۴
- ۱۲۲- مقایسه نسخ با تخصیص ۱۱۵

۱۱۵	۱۲۳- حکم دوران امر بین تخصیص و نسخ
۱۱۶	۱۲۴- صور مسأله
۱۱۶	صور اول
۱۱۶	صور دوم
۱۱۷	صور سوم
۱۱۹	صور چهارم
۱۲۰	۱۲۵- فایده عملی این بحث
۱۲۱	گفتار ششم - مطلق و مقید، مجمل و مبین
۱۲۱	بخش اول: مطلق و مقید
۱۲۲	۱۲۶- تعریف مطلق و مقید
۱۲۳	۱۲۷- مطلق و مقید در حقوق موضوعه
۱۲۳	۱۲۸- اطلاق و تقييد نسبی است
۱۲۴	۱۲۹- اطلاق و تقييد متلازمند
۱۴	۱۳۰- کلماتی که می توانند مطلق یا مقید شوند
۱۲۵	۱۳۰/۱ - آیا جمله می تواند مطلق یا مقید شود؟
۱۲۷	۱۳۱- فرق عام و مطلق
۱۲۸	۱۳۲- چگونگی استفاده اطلاق از مطلق
۱۲۹	۱۳۳- مقدمات حکمت
۱۲۹	۱- امکان اطلاق و تقييد
۱۲۹	۲- در مقام بیان بودن
۱۳۰	۳- نبودن قرینه تقييد
۱۳۱	۴- آیا انصراف مانع اطلاق است؟
۱۳۲	۵- نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب
۱۳۳	۱۳۴- حمل مطلق بر مقید
۱۳۷	بخش دوم: مجمل و مبین (با یاء مشدد و مفتوح)
۱۳۷	۱۳۵- اصطلاحات

- ۱۳۶- تکلیف به مجمل ۱۳۸
- ۱۳۷- تأخیر بیان در چه موردی جائز است؟ ۱۳۹
- ۱۳۸- اجمال در قوانین موضوعه و راه حل آن ۱۳۹
- ۱۴۱- گفتار هفتم - ادله استنباط احکام ۱۴۱
- ۱۳۹- تعداد ادله استنباط احکام ۱۴۱
- ۱۴۱- دلیل اول - قرآن ۱۴۱
- ۱۴۰- مهم ترین دلیل از نظر اصولی ۱۴۱
- ۱۴۱- قرآن و چگونگی نزول آن ۱۴۲
- ۱۴۲- اسباب نزول وحی ۱۴۳
- ۱۴۳- سوره های مکی و مدنی ۱۴۴
- ۱۴۴- تفاوت سوره های مکی و مدنی ۱۴۵
- ۱۴۵- کاتبان وحی یا دبیران پیغمبر (ص) ۱۴۷
- ۱۴۶- جمع آوری قرآن ۱۴۸
- ۱۴۶/۱ - عقیده شیعه در این مسأله ۱۴۹
- ۱۴۷- مصحف عثمان ۱۴۹
- ۱۴۷/۱ - اعراب قرآن ۱۵۰
- ۱۴۸- ترتیب آیات و سوره های قرآن ۱۵۰
- ۱۴۹- محتوای قرآن ۱۵۲
- ۱۵۰- آیات الاحکام ۱۵۲
- ۱۵۱- قرآن قطعی الصدور است ۱۵۳
- ۱۵۲- قرآن ظنی الدلاله است ۱۵۴
- ۱۵۳- حجیت ظاهر قرآن ۱۵۵
- ۱۵۴- آیا دلیل دیگری می تواند قرآن را تخصیص دهد یا مقید سازد؟ ۱۵۷
- ۱۵۵- تخصیص و تقیید قرآن به خبر واحد ۱۵۸
- ۱۵۶- آیا دلیل عقلی می تواند قرآن را تخصیص دهد؟ ۱۵۹
- ۱۵۷- تخصیص قرآن با قیاس ۱۶۰
- ۱۵۸- نسخ قرآن ۱۶۰
- ۱۵۹- نمونه هایی از نسخ قرآن ۱۶۱

دلیل دوم - سنت	۱۶۳
۱۶۰- تعریف سنت	۱۶۳
۱۶۱- حجیت سنت	۱۶۴
۱۶۲- نقش اثباتی سنت	۱۶۴
۱۶۳- تدوین سنت، مهم ترین کتب اخبار	۱۶۴
۱۶۴- اقسام خبر	۱۶۵
۱۶۵- اقسام خبر متواتر	۱۶۶
۱۶۶- شرائط خبر متواتر	۱۶۷
۱۶۷- جهات بحث در خبر واحد	۱۶۷
۱۶۸- ادله حجیت خبر واحد	۱۶۸
۱۶۹- خبر مجعول	۱۶۹
۱۷۰- شرائط راویان خبر واحد	۱۶۹
۱۷۱- موقع اعتبار شروط	۱۷۱
۱۷۲- اقسام خبر واحد	۱۷۲
۱۷۲/۱- جریان ضعف خبر	۱۷۲
۱۷۲/۲- مقایسه خبر و شهادت	۱۷۳
دلیل سوم - اجماع	۱۷۵
۱۷۳- تعریف اجماع و عناصر آن	۱۷۵
۱۷۴- فرق اجماع بنابر عقیده علمای سنی و شیعه	۱۷۶
۱۷۵- تجزیه و تحلیل عناصر اجماع	۱۷۷
۱- اتفاق نظر، اجماع سکوتی	۱۷۷
۲- اتفاق مجتهدین	۱۷۸
اتفاق امت محمد (ص)	۱۷۹
۱۷۶- مدرک حجیت اجماع	۱۷۹
۱۷۷- نظریه عصمت امت	۱۸۲
۱۷۸- چگونگی اثبات اجماع	۱۸۳
۱۷۹- طرق پی بردن به وجود اجماع - اقسام اجماع	۱۸۳
۱۸۰- مقایسه اجماع با عقاید علمای حقوق و مراجعه به آراء عمومی	۱۸۴

- ۱۸۱- نمونه‌هایی از اجماع ۱۸۶
- ۱۸۲- ارزش اثباتی اجماع - اجماع مَذَرکی (به فتح میم و راء) ۱۸۷
- ۱۸۲/۱- از اجماع نمی‌توان اطلاق و عموم گرفت ۱۸۷
- دلیل چهارم - قیاس ۱۸۹
- ۱۸۳- تعریف قیاس ۱۸۹
- ۱۸۴- عناصر قیاس ۱۹۰
- ۱۸۵- شرائط قیاس ۱۹۱
- ۱۸۶- قیاس منطقی و فرق آن با قیاس اصولی و فقهی ۱۹۲
- ۱۸۷- اقسام قیاس ۱۹۳
- ۱۸۷/۱- قیاس منصوص‌العله ۱۹۳
- ۱۸۷/۲- قیاس مستنبط‌العله ۱۹۵
- ۱۸۷/۳- قیاس جلیّ (با تشدید یاء بر وزن علی) ۱۹۶
- ۱۸۷/۴- قیاس خفیّ (با تشدید یاء بر وزن علی) ۱۹۷
- ۱۸۸- اختلاف شیعه و سنی در مسأله قیاس ۱۹۸
- ۱۸۹- تنقیح مناط قطعی - قیاس به الغاء فارق ۱۹۹
- ۱۹۰- اتحاد طریق ۲۰۰
- ۱۹۱- تخریج مناط، مناسبت، إخاله (به کسر همزه) ۲۰۱
- ۱۹۲- تحقیق مناط ۲۰۱
- ۱۹۳- وحدت ملاک ۲۰۲
- ۱۹۴- قیاس باطل ۲۰۲
- ۱۹۵- قیاس در حقوق ایران ۲۰۳
- الف - پیش از انقلاب ۲۰۳
- ب - در حقوق جمهوری اسلامی ایران ۲۰۳
- ۱۹۶- منابع مطالعه ۲۰۳
- دلیل پنجم - عقل ۲۰۵
- ۱۹۷- تعریف دلیل عقلی ۲۰۵
- ۱۹۸- اقسام دلیل عقلی ۲۰۵
- ۱۹۹- قاعدهٔ تلازم بین حکم عقل و حکم شرع ۲۰۷

- ۱۹۹/۱ - نمونه‌هایی از کاربرد عقل مستقل ۲۰۹
- ۱۹۹/۲ - عقائد درباره کاربرد عقل مستقل ۲۱۰
- ۲۰۰ - مباحث استلزام عقلی ۲۱۱
- ۲۰۰/۱ - مقایسه دلیل عقلی با بنای عقلاء و عرف و عادت ۲۱۲
- بحث مقدمه واجب
- ۲۰۱ - تعریف مقدمه و ذی‌المقدمه ۲۱۳
- ۲۰۲ - اقسام مقدمه ۲۱۴
- ۲۰۲/۱ - کاربرد اصطلاحات در فقه
- الف - اقسام مقدمه بر حسب مقام حاکم به توقف ۲۱۴
- ب - اقسام مقدمه بر حسب اندازه وابستگی میان آن و ذی‌المقدمه ۲۱۵
- ج - اقسام مقدمه بر حسب چگونگی وابستگی ذی‌المقدمه به آن ۲۱۸
- ۲۰۳ - چه مقدماتی مورد بحثند؟ ۲۲۰
- ۲۰۴ - حکم مسأله مقدمه واجب و استدلال آن ۲۲۰
- ۲۰۵ - ثمره نزاع ۲۲۳
- ۲۰۶ - مقدمه حرام ۲۲۴
- ۲۰۷ - شرائط عامه تکالیف ۲۲۵
- آیا إذن در شیئی إذن در لوازم آن است؟ ۲۲۷
- ۲۰۸ - لزوم طرح مسأله ۲۲۷
- ۲۰۹ - فرق مبحث مقدمه واجب با مبحث اذن در شیئی اذن در لوازم آن است ۲۲۷
- ۲۱۰ - إذن و اقسام آن ۲۲۸
- ۲۱۱ - لوازم ۲۲۸
- ۲۱۲ - لازمه ذات عقد، لازمه اطلاق عقد ۲۳۰
- ۲۱۳ - حکم مسأله ۲۳۱
- ۲۱۴ - مثال‌های دیگر ۲۳۲
- ۲۱۴/۱ - بسط کلام ۲۳۳
- قاعده استصلاح یا مصالح مرسله ۲۳۴
- ۲۱۵ - مقدمه: نظریه مصلحت ۲۳۴
- ۲۱۶ - تعریف استصلاح و مصلحت مرسله ۲۳۵

۲۱۷-	چند مثال دیگر برای استصلاح	۲۳۶
۲۱۸-	مصلحت و مفسده مورد نظر	۲۳۷
۲۱۹-	اقسام مصلحت	۲۳۷
۲۲۰-	ارزش قاعده استصلاح در مذاهب مختلف اسلامی	۲۳۸
۲۲۰/۱-	نگرشی تازه در فقه امامیه	۲۳۸
۲۲۱-	آنهايي که معتقد به بطلان و حرمت عمل به قاعده استصلاحند	۲۳۹
۲۲۲-	آنهايي که حجيت قاعده استصلاح را مشروط به شروطی می دانند	۲۳۹
۲۲۳-	آنها که مطلقاً قاعده استصلاح را حجت می دانند	۲۴۰
۲۲۴-	جواب اشکال	۲۴۱
۲۲۵-	مثال های بیشتری برای استصلاح	۲۴۲
	قاعده استحسان	۲۴۴
۲۲۶-	طرح بحث	۲۴۴
۲۲۷-	معنای لغوی و اصطلاحی استحسان	۲۴۴
۲۲۸-	ارزش استحسان در مذاهب مختلف اسلامی	۲۴۵
۱-	مذهب حنفی	۲۴۶
۲-	مذهب مالکی	۲۴۷
۳-	مذهب حنبلی	۲۴۷
۴-	مذهب شافعی	۲۴۷
۵-	مذهب شیعه	۲۴۹
۶-	مذهب ظاهری	۲۴۹
۲۲۹-	مقایسه استحسان و استصلاح	۲۴۹
۲۳۰-	ادله حجيت استحسان	۲۵۰
۲۳۱-	اقسام استحسان	۲۵۱
	الف - استحسان قیاسی	۲۵۱
	ب - استحسان ضرورت	۲۵۳
۲۳۲-	نکاتی در پیرامون استحسان	۲۵۴
۲۳۳-	استحسان در حقوق موضوعه	۲۵۶
	قاعده سد ذرایع	۲۵۸

۲۵۸	۲۳۴- سد ذرایع.....
۲۶۱	عرف و عادت.....
۲۶۱	۲۳۵- لزوم بررسی این موضوع.....
۲۶۱	۲۳۶- تعریف و عناصر عرف.....
۲۶۲	۲۳۷- اقسام عرف.....
۲۶۴	۲۳۸- تعریف عادت و عناصر آن.....
۲۶۴	۲۳۹- اقسام عادات.....
۲۶۵	۲۴۰- مقایسه عرف با عادت.....
۲۶۶	۲۴۱- وجود احکام امضائی دلیل حجّیت عرف در زمان بعد از شارع نیست.....
۲۶۷	۲۴۲- عرف لفظی هم خارج از موضوع بحث است.....
۲۶۷	۲۴۳- حجّیت عرف.....
۲۶۹	۲۴۴- شرایط حجّیت عرف.....
۲۶۹	شرط اول - عرف باید مطّرد یا غالب باشد.....
۲۶۹	شرط دوم - عرف باید همزمان باشد نه سابق و نه لاحق.....
۲۷۰	شرط سوم - عدم تصریح.....
۲۷۰	شرط چهارم - عدم مخالفت عرف با نص شرعی.....
۲۷۰	۲۴۵- نمونه‌هایی از عرف در معاملات.....
۲۷۳	گفتار هشتم - امارات.....
۲۷۳	۲۴۶- تعریف دلیل، اماره و اصل.....
۲۷۳	الف - تعریف دلیل.....
۲۷۴	ب - تعریف اماره (به فتح همزه).....
۲۷۴	ج - تعریف اصل.....
۲۷۵	۲۴۷- مقایسه دلیل، اماره و اصل با یکدیگر.....
۲۷۵	نخست - مقایسه اماره با دلیل.....
۲۷۵	دوم - مقایسه اصل با دلیل و اماره.....
۲۷۷	۲۴۸- اصل مثبت.....
۲۸۰	۲۴۹- دلیل، اماره و اصل در حقوق ایران.....

۲۵۰ - حجّیت اماره.....	۲۸۱
۲۵۰/۱ - علم عادی، اطمینان، ظنّ متاخم به علم.....	۲۸۲
۲۵۰/۲ - شک نمی تواند حجّت باشد.....	۲۸۲
۲۵۰/۳ - اصل عدم حجّت ظنّ است.....	۲۸۲
۲۵۰/۴ - کیفیت حجّیت اماره.....	۲۸۳
۲۵۱ - دلایل عدم حجّیت ظن.....	۲۸۴
۲۵۲ - معنا و صور گوناگون عمل به ظن.....	۲۸۵
۲۵۳ - استثنائات اصل عدم حجّیت ظن.....	۲۸۶
۲۵۴ - حجّیت ظواهر الفاظ.....	۲۸۶
۲۵۵ - حجّیت قول لغوی.....	۲۸۹
۲۵۶ - کارشناسی و گواهی.....	۲۹۰
۲۵۷ - حجّیت شهرت.....	۲۹۱
۲۵۸ - بحث شهرت و حقوق موضوعه.....	۲۹۲
۲۵۹ - انسداد باب علم و علمی.....	۲۹۳
گفتار نهم - اصول عملیه.....	۲۹۵
۲۶۰ - تعریف اصل و اقسام آن.....	۲۹۵
۲۶۱ - یادآوری چند نکته مهم.....	۲۹۶
قسمت اوّل - اصل براءت.....	۲۹۹
۲۶۲ - تعریف اصل براءت.....	۲۹۹
۲۶۳ - مطالب این قسمت.....	۲۹۹
۲۶۴ - اصل عدم.....	۳۰۰
۲۶۴/۱ - آیا نافی را نفی کافی است؟.....	۳۰۰
۲۶۵ - مقایسه اصل عدم با اصل براءت.....	۳۰۱
۲۶۶ - اصل اباحه، شباهت و فرق آن با اصل براءت؟.....	۳۰۲
اصل حظر، شباهت و فرق آن با اصل احتیاط.....	۳۰۲
۲۶۷ - حکم واقعی، ظاهری و اضطراری یا واقعی ثانوی.....	۳۰۳
۲۶۷/۱ - منابع حکم ظاهری.....	۳۰۳

- ۲۶۸ - اصل برائت کجا بکار می‌رود؟ ۳۰۴
- ۲۶۹ - شبهه حکمی و موضوعی ۳۰۵
- ۲۷۰ - شبهه مفهومی و مصداقی ۳۰۶
- ۲۷۱ - دلائل حجّیت اصل برائت ۳۰۷
- یکم - آیات قرآنی ۳۰۷
- دوم - اخبار و روایات ۳۰۷
- سوم - اجماع ۳۰۸
- چهارم - عقل ۳۰۸
- ۲۷۲ - نکاتی چند برای روشن شدن اصل برائت ۳۰۹
- ۲۷۲/۱ - حکم مولوی و حکم ارشادی ۳۱۰
- ۲۷۳ - چه کسی می‌تواند اصل برائت را بکار برد؟ ۳۱۰
- ۲۷۴ - بکار بردن اصل برائت در حقوق موضوعه ۳۱۱
- قسمت دوم - اصل تخییر ۳۱۳
- ۲۷۵ - تعریف اصل تخییر ۳۱۳
- ۲۷۶ - موارد بکار بردن اصل تخییر ۳۱۳
- قسمت سوم - اصل احتیاط و اشتغال (۱) ۳۱۷
- ۲۷۷ - تعریف اصل احتیاط ۳۱۷
- ۲۷۸ - اصل احتیاط در کجا باید بکار برده شود؟ ۳۱۸
- ۲۷۹ - شک در «مکلف به» ۳۱۹
- ۲۸۰ - نمونه‌ای از اصل احتیاط ۳۲۰
- ۲۸۰/۱ - تمارض دو احتیاط ۳۲۲
- قسمت چهارم - اصل استصحاب ۳۲۳
- ۲۸۱ - تعریف استصحاب و عناصر آن ۳۲۳
- عناصر استصحاب ۳۲۳
- ۱- یقین سابق ۳۲۴
- ۲- شك لاحق ۳۲۴
- ۳- وحدت متیقن و مشکوک (وحدت موضوع) ۳۲۴

- ۴- تعدد زمان متیقن و مشکوک ۳۲۴
- ۵- تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک ۳۲۵
- ۶- وحدت زمان شك و یقین ۳۲۵
- ۷- فعلیت یقین و شك ۳۲۶
- ۲۸۱/۱ - مثال‌هایی برای استصحاب ۳۲۶
- ۲۸۲ - مبنای حجّیت استصحاب ۳۲۶
- ۲۸۳ - سابقه تاریخی استصحاب ۳۲۷
- ۲۸۳/۱ - استصحاب در حقوق ایران ۳۲۸
- ۲۸۴ - اقسام استصحاب ۳۲۸
- ۲۸۵ - استصحاب وجودی و عدمی ۳۲۹
- ۳۲۹ - اصل عدم و استصحاب عدمی اصل تأخر حادث
- ۲۸۶ - استصحاب حکمی و موضوعی ۳۳۱
- ۲۸۷ - استصحاب حکم عقل و استصحاب حکم شرع ۳۳۱
- ۲۸۸ - مقتضی و رافع و استصحاب در مورد هر يك از آنها ۳۳۲
- ۲۸۹ - اقوال در حجّیت استصحاب ۳۳۳
- ۲۹۰ - شك ساری یا قاعده یقین ۳۳۴
- ۲۹۱ - استصحاب اعتبار قانون ۳۳۵
- ۲۹۲ - استصحاب کلی و جزئی ، اقسام هر يك و حجّیت آنها ۳۳۶
- ۳۳۶ - اقسام استصحاب کلی ۳۳۶
- ۲۹۳ - تعارض استصحاب با خود یا با ادله دیگر ۳۳۸
- ۲۹۴ - تعارض استصحاب با برائت ۳۳۸
- ۲۹۵ - تعارض استصحاب با احتیاط ۳۳۹
- ۲۹۶ - تعارض استصحاب با اصل تخییر ۳۴۰
- ۲۹۷ - تعارض دو استصحاب ۳۴۰
- ۲۹۸ - تعارض قاعده ید با استصحاب ۳۴۱
- ۲۹۹ - تعارض «قاعده صحت» با استصحاب ۳۴۳

۳۴۶	۳۰۰ - تعارض قاعده فراغ و تجاوز با استصحاب
۳۴۷	۳۰۱ - تعارض قاعده قرعه با استصحاب
۳۴۸	۳۰۱/۱ - تعارض استصحاب با ظاهر حال
۳۴۹	گفتار دهم - تعارض ادله
۳۴۹	۳۰۲ - تعریف تعارض ادله و عناصر آن
۳۵۰	۳۰۳ - حکم دو دلیل متعارض
۳۵۱	۳۰۴ - تعارض ظاهری
۳۵۱	۳۰۵ - تراحم
۳۵۱	وضع دو حکم متراحم
۳۵۲	فرق تعارض و تراحم
۳۵۳	۳۰۶ - تخصیص
۳۵۳	۳۰۷ - تخصص
۳۵۴	۳۰۸ - ورود
۳۵۴	۳۰۹ - حکومت
۳۵۵	۳۱۰ - جمع عرفی
۳۵۶	۳۱۱ - تراجیح
۳۵۷	خاتمه - اجتهاد و تقلید
۳۵۷	۳۱۲ - مقدمه
۳۵۹	۳۱۳ - تعریف اجتهاد
۳۵۹	معنای لغوی آن - معنای اصطلاحی آن
	معنای اصطلاحی آن
	تعریف اول
۳۶۱	تعریف دوم
۳۶۱	تعریف سوم
۳۶۱	۳۱۴ - اقسام اجتهاد
۳۶۳	۳۱۵ - مقدمات اجتهاد

- ۳۱۶ - تخطئه و تصویب ۳۶۵
- ۳۱۷ - تعریف تقلید ۳۶۷
- ۳۱۸ - آیا تقلید از دیگری جائز است؟ ۳۶۷
- ۳۱۹ - آیا تقلید اعلیٰ واجب است؟ ۳۶۸
- ۳۲۰ - آیا تقلید میّت جائز است؟ ۳۶۸
- ۳۲۱ - یادآوری و سپاس ۳۶۹

به نام خدا

مقدمه چاپ بیست و نهم

از دیرباز مایل بودم در این کتاب تجدیدنظر کنم ولی موفق نمی شدم. اکنون که این توفیق نصیب گردیده نخست خدای بزرگ را شکرگزارم، سپس از محبت و توجه دوستان ارجمند - استادان و مدرسان محترم این درس - سپاسگزارم که این کتاب را برای تدریس برگزیده‌اند و در پایان باید به این واقعیت اذعان کنم که توجه و گزینش این عزیزان لزوم تجدیدنظر در آن را دوچندان نموده است.

همیشه مایل بوده و هستم که مدرسان ارجمند این درس و دانشجویان عزیزی که این کتاب جزو برنامه درسی آنان قرار گرفته نظرات انتقادی خود را به من بگویند و یا اگر اشتباهی در آن رفته است یادآوری نمایند. تنی چند این محبت را نشان داده و یادداشت‌هایی برای من فرستاده‌اند و من در تصحیح و تجدیدنظرهای پیشین آنها را بکار بسته‌ام. اینک بار دیگر همان خواهش را تکرار می‌کنم که قبول زحمت فرموده انتقادات و نظرها و پیشنهادهای خود را به نشانی زیر برای این جانب بفرستند تا با بکارگیری آنها متن بهتری در دسترس دانشجویان گرامی قرار گیرد.

در این تجدیدنظر، مانند پیشتر، کوشیده‌ام که طرح اولی کتاب تغییر نکند و تنها اشتباهات رفع، مآخذ بازنگری و شیوه نگارش بهتر شود. در برخی جاها مطالبی لازم افزوده یا چیزهای زائد حذف شده است. همچون گذشته تلاش و کوشش بر این بوده که مطالب دشوار اصول فقه به بیانی آسان‌تر و روان عرضه شود. باشد که فهم این اصول در استنباط فقه و حقوق و استدلال برای تفهیم و اثبات مقاصد آنان سودمند واقع شود.

با امید موفقیت مدرسان محترم و دانشجویان ارجمند.

ابوالحسن محمدی

تیرماه ۱۳۸۶

Press @ ut.ac.ir

به نام خدا

مقدمه چاپ هجدهم

طبیعی است که هر وقت نویسنده‌ای نوشته خود را بار دیگر بخواند بخواهد در آن تغییری دهد، چیزی را کم یا زیاد کند و یا تمام آن را عوض نماید. ولی رعایت برنامه درسی، محدودیت ساعت تدریس و در نظر گرفتن پایه معلومات دانشجویان این درس جلوی این خواست طبیعی را گرفته است. با این حال تدریس چند باره آن تغییراتی را باعث گردیده است. برخی اشتباهات اصلاح شده، در جاهایی مطالبی افزوده شده، در جاهایی مثال‌هایی برای بیشتر روشن کردن مطالب اضافه شده و در برخی جاها عباراتی که زائد به نظر رسیده حذف شده است. برخی مطالب که در زیرنویس آمده جزو برنامه درسی نیست مگر اینکه استادان محترم لازم بدانند که بعضی آنها را جزو برنامه قرار دهند.

در تمام این تجدیدنظرها و اصلاحات همواره نظر بر این بوده که درک مطالب کتاب برای دانشجویان حقوق رشته کارشناسی، که این کتاب برای آنها نوشته شده، آسان‌تر شود و کاربرد آن در کمک به استدلال برای مباحث حقوقی ممکن‌تر گردد. با این حال یک نکته را با این عزیزان مطرح می‌کنم: اگر مطالب کتاب را دشوار یافتید برای آسان کردن آن با دوستان روش مباحثه را در پیش گیرید و اگر به آسانی بر آن مطالب دست یافتید به همین اندازه اکتفا نکنید. که خواندن یک کتاب برای فهمیدن اصول فقه بسیار کم است. بلکه به منابع و مآخذی که به همین منظور نام برده شده‌اند مراجعه کنید و در تکمیل معلومات خود بکوشید.

بخاطر داشته باشید که اصول فقه مقدمه فقه استدلالی و منطق حقوق است، هر قدر با اصول فقه بیشتر آشنا شوید قوه و قدرت استدلال و استنباط حقوق را بیشتر بدست می‌آورید.

با امید توفیق شما - ابوالحسن محمدی

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
فردوسی

۱- نظم و ترتیب مطالب

علم اصول فقه یکی از درس‌های دانشکده حقوق بوده و اکنون نیز با تغییر نام به «مبانی استنباط حقوق اسلامی» جزو دروس این دانشکده است. گروه حقوق خصوصی و اسلامی قسمتی از موضوعات این علم را برای تدریس در سال سوّم قضائی تصویب نموده و تدریس آن به این جانب واگذار گردیده، بدین جهت لازم شد کتابی در این زمینه تألیف شود.

در این علم قرن‌ها وسیله علمای اسلام بحث و گفتگو شده، تألیفاتی بسیار ارزنده و سودمند بوجود آمده، ساخته و پرداخته گردیده و نظم خاصی یافته است. با همه اختلافاتی که در مسائل آن وجود دارد نظم موضوعات و مسائل تقریباً محفوظ مانده، گرچه اصولیین سنی نظمی دارند جز آنچه اصولیین شیعه دارند، ولی هر دو دسته نظم خود را رعایت کرده‌اند. در برنامه دانشکده حقوق فقط قسمتی از موضوعات این علم، و می‌توان گفت اندکی از بسیار، گنجانیده شده اما دریغ آمد که نظم موضوعات را نادیده گرفته مطالبی پراکنده و بی‌ارتباط به هم، جمع‌آوری و به صورت تألیف درآورده شود. و اگر چنین کاری می‌شد تألیف به معنای واقعی کلمه نبود. چه، در تألیف این معنا ملحوظ گردیده که میان موضوعات ارتباط و الفت باشد. از این رو به نظر رسید بهتر آن باشد که نظم دیرین رعایت و در فصل‌بندی مطالب از روش دانشمندان بزرگ این علم پیروی گردد، متنها قسمت‌هایی که خارج از برنامه درسی است به طور اختصار و قسمت‌هایی که جزو برنامه درسی است بطور تفصیل مورد بحث قرار گرفته شود.

۲- روشی که در این تألیف بکار رفته

در این کتاب کوشش شده مطالب به بیانی ساده و درخور فهم و درک دانشجویان دورهٔ لیسانس نوشته شود ولی این منظور شاید به طور کامل انجام نیابد زیرا بیان مطالب و مسائل اصول که به زبان عربی نوشته شده و اصطلاحات و تعبیرات آن، همه عربی است در همه جا به آسانی در قالب عبارات فارسی در نمی‌آید و تنزل دادن مطالب علمی از سطح بسیار عالی به سطح خیلی پایین کار آسانی نیست. با این همه هدف این است که در این کتاب تا آنجا که ممکن است مطالب ساده و آسان نوشته شود و در این راه تا آنجا که مقدور باشد کوشش خواهد شد.

شیوهٔ دیگری که برگزیده شده این است که در هر مورد با آوردن مثال‌های حقوقی که برای دانشجوی حقوق بهتر قابل فهم و درک است مطالب فهمانده شود. این کاری است که تاکنون نشده با اینکه به نظر می‌رسد کاری لازم بوده و هست زیرا اصولی که در دانشکده حقوق تدریس می‌شود به منظور استفاده از آن در حقوق است و تدریس اصول به صورت علمی قدیمی آن که تاکنون معمول بوده نتوانسته در حقوق مورد استفاده قرار گیرد و همین امر میان علم اصول و حقوق فاصله ایجاد کرده است، در حالی که علم اصول از اسباب و ابزار لازم برای حقوق بوده و می‌باشد. به هر حال از آنجا که این کار انجام نشده و اصول با حقوق تلفیق نگردیده پیدا کردن مثال‌های حقوقی در هر مورد کاری است بس دشوار و نمی‌توان انتظار داشت که در تمام موارد مثال حقوقی پیدا کرد با این همه این نیز هدف دیگری در تألیف این کتاب است تا چقدر مقدور افتد.

در ضمن باید گفت که در مواردی، مانند مفهوم مخالف، می‌توان مثال‌های فراوانی در متون قوانین پیدا کرد که به یکی دو تا اکتفا شده و به موادی دیگر نیز اشاره شده است و دانشجویان حقوق که با متون قانونی مانند قانون مدنی، قانون آئین دادرسی مدنی، قانون امور حسبی و قوانین کیفری روزانه سروکار دارند می‌توانند در هر مورد به مواد استنادی مراجعه کنند و بدین جهت آن مواد در متن این کتاب آورده نشده‌اند.

کار دیگری که شده این است که علاوه بر کتاب‌های علمای امامیه به کتب علمای اهل سنت نیز مراجعه شده و عقائد آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته و از زحمات آنها هم در این عمل بهره‌برداری شده است. علت این کار این است که علم اصول فقه ساخته و پرداختهٔ فکر امامان و علمای اهل سنت می‌باشد و عقائد و نظریات علمای امامیه با توجه به نظرات و عقائد آنها ابراز و نوشته شده و پی بردن به

عمق نظریات امامیه بدون بررسی عقائد علمای اهل سنت، اگر غیرممکن نباشد، دشوار است از این روی در این کتاب به عقائد هر دو دسته توجه شده است.

۳- فصل بندی

این کتاب دارای دیباچه، چند گفتار و خاتمه است.
در دیباچه، نخست به بررسی تاریخی علم اصول و سپس به بیان تعریف، موضوع و فایده آن می پردازیم.
در هر گفتار يك موضوع اصلی از موضوعات این علم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
در خاتمه از بحث اجتهاد و تقلید گفتگو خواهد شد.